

# بررسی تطبیقی معاونت در جرم در حقوق ایران، فرانسه و لبنان

علیرضا سعید \*

## چکیده

معاونت در جرم، عبارت است از، همکاری و مساعدت با مباشر جرم به یکی از اشکال پیش‌بینی شده در قانون، بدون دخالت وی در عنصر مادی آن جرم، که این همکاری باید قبل یا مقارن با وقوع جرم اصلی باشد.

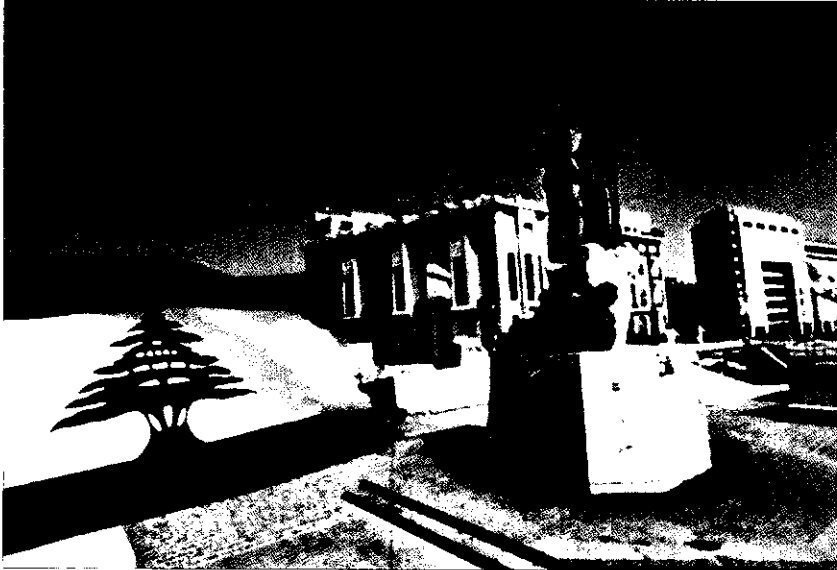
احراز عناصر سه‌گانه جرم در معاونت در جرم نیز لازم است و عنصر مادی معاونت باید فعل مثبت باشد (نه ترک فعل). در این نوشتار سعی شده تا عناصر، ارکان و مصادیق معاونت در جرم و همچنین مجازات معاونت، به صورت تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه و لبنان به صورت مختصر و در حد بضاعت اندک نگارنده مورد بررسی قرار گیرد و در پایان، اندکی هم به بحث از فاعل معنوی جرم و تفاوت آن با معاونت در جرم و برخی از مصادیق آن پرداخته شده است.

(الف) مقدمه

فردی که به فکر ارتکاب جرم می‌افتد، ممکن است آن اندازه از جسارت برخوردار باشد که بتواند به تنهایی و بدون واسطه دیگری جرم مورد نظر خود را در خارج محقق سازد و یا اینکه به هردلیلی نخواهد خودش در صحنه جرم حاضر باشد ولی چون خواهان وقوع آن جرم بوده، از پس پرده برکار مباشر جرم، نظارت، هم‌فکری و همکاری، می‌کند و در پی این همکاری جرم مورد نظر نیز واقع می‌شود و چنین فردی را که به صورت فرعی و تبعی، مجرم را یاری می‌رساند ولی در عملیات سازنده دخالت مستقیم ندارد، معاون و چنین عملی را معاونت در جرم می‌گویند.

فردی که به فکر ارتکاب جرم می‌افتد، ممکن است آن اندازه از جسارت برخوردار باشد که بتواند به تنهایی و بدون واسطه دیگری جرم مورد نظر خود را در خارج محقق سازد و یا اینکه به هردلیلی نخواهد خودش در صحنه جرم حاضر باشد ولی چون خواهان وقوع آن جرم بوده، از پس پرده برکار مباشر جرم، نظارت، هم‌فکری و همکاری، می‌کند و در پی این همکاری جرم مورد نظر نیز واقع می‌شود و چنین فردی را که به صورت فرعی و تبعی، مجرم را یاری می‌رساند ولی در عملیات سازنده دخالت مستقیم ندارد، معاون و چنین عملی را معاونت در جرم می‌گویند.

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ نیز تکرار شد. ولی قانون‌گذار عبارت (در جرایم قابل تعزیر) را به صدر ماده ۲۸ افزود و معاونت را به جرایم تعزیری محدود کرد. آخرین اراده قانون‌گذار نیز در مواد ۴۳ تا ۴۵ و ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی به بیان احکام و شرایط معاونت پرداخته است. ب) عناصر و ارکان معاونت در جرم ۱- رکن قانونی، جواز تعقیب یک فرد به عنوان معاون جرم منوط به این است که عملی که توسط مباشر انجام شده جرم‌انگاری شده باشد. یعنی اگر عمل انجام شده فاقد وصف مجرمانه باشد به تبع آن معاونت نیز منتفی خواهد بود که حقوق‌دانان از آن به استعاره مجرمیت یا معاونت عازیه‌ای تعبیر کرده اند به آن معنی که معاونت یک عنوان مجرمانه مستقل نیست بلکه فرع و تابع فعل مجرمانه اصلی است. اگر این استعاره مجرمیت را مطلق بدانیم نتیجه آن تساوی مجازات مباشر و معاون خواهد بود به جهت اینکه از وحدت نظر و هدف برخوردارند ولی اگر آن را نسبی بدانیم مجازات معاون کمتر از مباشر خواهد بود چون او نقش کمتری در تحقق جرم دارد که قانون‌گذار ما همین نظر اخیر را پذیرفته است. برخی حقوق‌دانان معاونت را جرم مستقل می‌دانند (نه عاریه‌ای) و قانون‌گذار نیز در برخی مواد قانونی پاره‌ای از معاونت‌ها را به صورت جرم مستقل و با مجازات خاص در نظر گرفته است. البته ذکر این نکته نیز لازم است که اعمال مجازات بر معاون منوط به صدور حکم بر محکومیت مجرم اصلی نیست بلکه صرفاً قابل مجازات بودن فعل اصلی کافی است. خواه مجازات بر مباشر جرم، بار شود و یا اینکه به جهاتی قانونی از او برداشته شود (ماده ۴۴ ق.م.ا. قانون جزای ۱۸۱۰ فرانسه و قانون جزای ۱۸۷۱ آلمان، از نظریه استعاره مطلق تبعیت می‌کردند در قانون فعلی فرانسه نیز مجازات معاون همانند مباشر است ولی قاضی می‌تواند برای معاون تخفیف قابل شود) ۲- رکن مادی، برای تحقق عنصر مادی جرم معاونت ضرورت دارد یک فعل مادی مثبت به یکی از صور پیش‌بینی شده در قانون هم‌زمان یا قبل از جرم اصلی ارتکاب یابد. بنابراین ترک فعل نمی‌تواند سازنده عنصر مادی معاونت باشد. البته نظر مخالف نیز در این خصوص وجود دارد که در مواردی فعل منفی یا ترک فعل هم می‌تواند سبب تسهیل وقوع جرم و تحقق معاونت باشد ولی با این قید که رابطه سببیت بین ترک فعل و وقوع جرم، موجود و محرز باشد که احراز این رابطه در مرحله اثبات



دشوار است در حالی که در موارد فعل مثبت آسان تر است. همچنین باید عمل مثبت مادی بطور کامل انجام شده باشد؛ زیرا شروع به جرم معاونت، مجازات ندارد و یا به عبارت بهتر چندان قابل تصور نیست (هر چند معاونت در شروع به جرم قابل تصور و مجازات است) و ارتکاب آن فعل نیز مقدم یا مقارن با وقوع جرم اصلی باشد لذا افعالی که بعد از وقوع جرم اصلی انجام می شود، در حقوق ایران معاونت محسوب نمی شود ولی ممکن است به عنوان جرم مستقل در نظر گرفته شود. ۳- رکن معنوی. منظور از رکن معنوی سوءنیت و قصد مجرمانه معاون می باشد که در جرایم عمدی عبارت است از تعلق اراده به ارتکاب جرم مورد نظر همراه با علم به نتایج عمل ارتكابی که در صورت فقدان این عنصر، معاونت محقق نمی شود. یعنی اینکه معاون باید از قصد مباشر جرم و اینکه او در صدد ارتکاب یک عمل مجرمانه است آگاهی کامل داشته باشد و او را در راه رسیدن به هدف و وقوع جرم یاری رساند (وحدت قصد) البته پرواضح است که منظور از قصد، همراهی و همکاری با اراده آزاد و فارغ از اکراه و اجبار است و منظور از وحدت قصد این است که در نوع جرم با هم توافق داشته باشند و عدم توافق بر مسایل فرعی و جزئیات عمل، تاثیری در مسئولیت معاون ندارد. البته اگر مباشر مرتکب جرمی سنگین تر که خارج از توافق اولیه آنهاست شود معاون در مقابل آن پاسخگو نیست و تنها در حد جرمی که مورد نظر او بوده مسئول خواهد بود مگر اینکه نتیجه حاصل شده بطور عرفی و واضح قابل پیش بینی بوده باشد که در این صورت قصد او مفروض و در نتیجه قابل مواخذه خواهد بود. ممکن است این سوال مطرح شود که با توجه به مطالب فوق آیا معاونت در جرایم غیر عمدی قابل تصور است یا خیر؟ چون در جرم غیر عمدی مجرم اصلی فاقد سوءنیت و قصد مجرمانه است پس چگونه وحدت قصد بین معاون و مباشر محقق می شود؟ که در پاسخ برخی حقوق دانان آن را انکار و برخی قابل تصور دانسته اند و برخی دیگر مصداقی برخورد کرده و پاره ای از مصادیق را پذیرفته و پاره ای را خیر. ولی با توجه به اطلاق عبارت قانون گذار [یعنی لفظ جرم که اعم از عمد و غیر عمد است] برخی آرای دیوان عالی کشور (در سال های ۱۳۱۶- ۱۳۱۹- ۱۳۲۲- شعبه ۲ و ۵) می توان چنین نتیجه گرفت که معاونت در جرایم، قابل تصور است و مثال های محدودی نیز ارایه شده است (مانند جرایم راهنمایی و رانندگی) و برخی معتقدند که به جای کلمه معاونت در جرم غیر عمد، بهتر است از لفظ شریک در تقصیر استفاده شود. برخی حقوق دانان خارجی مانند کارازا از ایتالیا و هاوس و نیلیس از بلژیک معتقدند؛ که غیر ممکن است کسی را برای تحقق فکری که هرگز نداشته است کمک کرد همچنان که بدون قصد، نمی توان معاون جرم عمدی شد زیرا معاونت به قصد مجرمانه نیاز دارد. لذا در اعمالی که ناشی از تقصیر هستند نمی توان به معاونت اعتقادی داشت. ویدال

مولینیر از حقوق دانان فرانسه [برخلاف گارو] نیز معتقد است که معاونت تنها در صورتی قابل مجازات است که معاون به قصد و با سوءنیت به منظور تحقق جرمی، اقدام کرده باشد. (ج) مصادیق معاونت در جرم در قانون ما اشکال و مصادیق معاونت، به صورت حصری در ماده ۴۳ ق.م.ا. بیان شده است که همه موارد فعل مثبت می باشد و جنبه حصری دارد نه تمثیلی. یعنی برای اینکه بتوان فردی را معاون یک جرم تلقی کرد، باید رفتار او در قالب یکی از همان موارد مذکور در قانون، ارتکاب یافته باشد (وقابل تسری به غیر آنها نمی باشد) که عبارتند از: ۱) تحریک. معنای به حرکت واداشتن دیگری را دارد. یعنی اینکه فکر ارتکاب جرم را به ذهن مباشر بدوا القا کند و یا اینکه فکر مجرمانه ای را که در ذهن اوست تقویت کرده و با ایجاد اطمینان خاطر و... او را بر ارتکاب جرم مورد نظر مصمم سازد. برخی از نویسندگان، ترغیب، تشویق، تطمیع و تهدید را بصورت مستقل و جدای از تحریک مورد بحث قرار داده اند ولی به نظر می رسد که همگی اینها در واقع روش هایی هستند برای تحریک و واداشتن فرد بر ارتکاب جرم، زیرا معاون، یا به مباشر وعده و هدیه و... می دهد تا جرم مورد نظر را انجام دهد (تطمیع) یا با زدن حرف هایی خاص و سخترانی و... شوق ارتکاب جرم را در او ایجاد ویا تشدید می کند (تشویق و ترغیب) یا با ایجاد ترس از خطر یا خطرات احتمالی (نسبت به مال، جان، خانواده و...) او را بر ارتکاب جرم وامی دارد (تهدید) بنابراین تحریک شدن و به حرکت درآمدن مباشر در جهت انجام جرم، در واقع نتیجه اعمال مذکور است. ذکر این نکته نیز ضروری است که در وقوع تحریک لازم نیست که شخص معینی مورد نظر فرد باشد بلکه اگر یک جمع نیز تحریک شده و از بین آنها یک نفر یا همگی آنها مرتکب جرم مورد نظر شوند، محرک به عنوان معاون قابل مجازات است البته به شرط اینکه آن تحریک موثر باشد و رابطه سببیت عرفی بین تحریک و ارتکاب

به جرم وجود داشته باشد در غیر این صورت اگر مجرم اصلی خود از انگیزه کافی برای ارتکاب جرم برخوردار باشد به گونه ای که اگر آن تحریک هم نبود باز هم او مرتکب آن جرم می شد دیگر معاونت محقق نمی شود. قانون گذار ما برخی تحریکات را با توجه به اهمیت و خطر بالای آن به عنوان جرم مستقل و با مجازات خاص در نظر گرفته است، هر چند که آن جرم اصلی مورد نظر هم به وقوع نیویسته باشد و یا حتی شروع به آن جرم هم محقق نشده باشد. هدف قانون گذار از جرم انگاری مستقل اینگونه موارد، پیشگیری از وقوع حوادث مهم و غیر قابل جبران و خاموش کردن آتش فتنه در نطفه است. (مانند جرایم علیه امنیت کشور از قبیل تحریک مردم به جنگ و کشتار، تشویق مردم به فساد و فحشا و تحریک نظامیان به فرار یا تسلیم).

۲- دسیسه، فریب و نیرنگ. این سه با یکدیگر مترادفند و با نوعی پنهان کاری و خدعه همراهند. منظور، فریب دادن قربانی جرم یا شخص ثالثی است تا از آن طریق مجرم اصلی بتواند به راحتی مرتکب جرم مورد نظر گردد. مانند ایجاد یک تصادف یا دعوی ساختگی بر سر راه راننده خودرو، تا او پیاده شده و مجرم اصلی (مباشر) خودرو را بریاید و یا به صحبت گرفتن و پرت کردن حواس فروشنده نسبت به ویرترین مغازه طلافروشی، تا مباشر در لحظه مناسب اقدام به سرقت جواهرات نماید.

۳- تهیه وسایل ارتکاب جرم. در بند ۲ ماده ۴۳ ق.م.ا. تهیه: یعنی ساختن و یا فراهم کردن هر نوع وسیله (منقول یا غیر منقول) برای ارتکاب جرم، از مصادیق بارز معاونت محسوب می شود. بدیهی است که برای تحقق جرم معاونت باید وحدت قصد محرز باشد یعنی اینکه معاون وسیله تهیه شده را با سوءنیت و به قصد ارتکاب جرم مورد نظرشان در اختیار مباشر قرار دهد. و او نیز از آن وسیله بطور عملی در جهت ارتکاب جرم استفاده کند. بنابراین احراز اثبات علم و عمد معاون در دادگاه برای مجازات وی ضرورت دارد -

قانون‌گذار ما می‌باشد. بر این اساس چون سهم و دخالت معاون در تحقق جرم کمتر بوده، لذا مجازات معاون کمتر از مباشر در نظر گرفته می‌شود. در تبصره ۲ از ماده ۴۳ پیش‌بینی شده که چنانچه برای معاونت در جرمی مجازات خاصی در قانون یا شرح وجود داشته باشد همان مجازات اجرا خواهد شد. البته در سال ۱۳۷۵ قانون‌گذار ماده ۷۲۶ را در بخش تعزیرات آورده، که حسب آن مجازات معاون را حداقل مجازات مباشر تعیین کرده است. این ماده ناسخ ماده ۴۳ نمی‌باشد بلکه یکی از مصادیق قانونی تبصره ۲ ماده ۴۳ ق.م.ا. می‌باشد. با تصویب ماده ۷۲۶ در چارچوب اصل قانونی بودن تعزیرات، مجازات معاون در جرایم تعزیری، شکل قانونی دقیق‌تری به خود گرفت. این ماده را باید نسبت به کلیه جرایم تعزیری اعم از قانون تعزیرات ۱۳۷۵ و سایر قوانین موجود قابل اجرا دانست مگر اینکه مجازات خاصی برای معاون در آن قوانین خاص تعیین و تصریح شده باشد. ایرادات وارد بر مواد ۴۳ و ۷۲۶: ذکر این نکته لازم است که، اجرای ماده ۷۲۶ در مجازات‌هایی که برای آن حداقلی در قانون تعیین و تصریح نشده، با دشواری همراه است (مانند ماده ۶۶۰) رویه قضایی و نظرات اداره حقوقی قوه قضائیه حاکی از این است که در مواردی که مجازات تعیین شده برای یک جرم، دارای حداقل نباشد، باید کمترین واحد، یعنی یک ضربه شلاق، یک روز حبس و یا یک ریال جزای نقدی را در خصوص معاون آن جرم مورد حکم قرارداد. البته ایراد عدم تناسب مجازات مذکور با جرم ارتکاب یافته، به این نظریه وارد است و قاضی می‌تواند با تعیین مجازات‌های تکمیلی و تسمیمی (مواد ۱۹ و ۷۲۸ ق.م.ا.) برای معاون جرم، تا حدودی این نقص را جبران کند. ولی قانون‌گذار باید به صورت اصولی و با تصویب قانون این مشکل را حل کند. در مواردی که برای یک جرم دو یا چند مجازات معین شده باشد، اختیار با قاضی صادرکننده حکم است که حداقل کدام یک از مجازات‌های قانونی را باتوجه به اصل تناسب مجازات و جرم و سیاست فردی کردن مجازات‌ها، برای معاون در نظر بگیرد. ایراد مهمی که بر ماده ۴۳ وارد است، منافات آن با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها می‌باشد. به این توضیح که در این ماده ذکر شده که معاون... تعزیر می‌شود ولی میزان آن به‌طور دقیق معین نشده است. هرچند تصویب ماده ۷۲۶ تا حدی این اشکال را برطرف کرده است. همچنین ذکر وعظ و تهدید در شمار مجازات‌های قانونی بر ابهام موجود در این ماده افزوده است. علاوه بر این، به مجازات معاونت در جرایم حدی و مستوجب دیه نیز تصریح نشده است. نکته دیگر اینکه واژه «شرح» که در این ماده ذکر شده مفهومی کلی و مبهم است که قانون‌گذار باید این ایرادات را برطرف کند. (ی) بحث تطبیقی. قانون جزای فرانسه در ماده ۶-۱۲۱ در خصوص معاونت در جرم مقرر داشته که معاون جرم نیز

ارایه طریق ارتکاب جرم. عبارت است از اینکه معاون، نقشه و طرحی برای چگونگی ارتکاب یک جرم تهیه و در اختیار مباشر قرار داده و اطلاعات لازم درباره راه تهیه وسایل ارتکاب جرم و نحوه استفاده، زمان و مکان استفاده و... را به مباشر می‌دهد. البته این آموزش‌ها و ارشادات باید عالمانه، عامدانه و موثر در وقوع جرم مورد نظر باشد.

۵- تسهیل وقوع جرم؛ که در بند ۳ ماده ۴۳ به عنوان آخرین مصداق معاونت ذکر شده است. به این معنی که فرد به اشکال و صور مختلف هم‌زمان با وقوع جرم از سوی مباشر، باعث سادگی و سهولت انجام جرم از سوی مجرم اصلی شود. به گونه‌ای که عرف نیز عمل او را سبب تسهیل وقوع آن جرم بداند. مثل اینکه فرد در بیرون منزل مالباخته کمین کرده و دیده‌بانی کند تا سارق را، به موقع از خطر حضور پلیس یا صاحب‌خانه باخبر سازد و همین امر باعث شده تا سارق احساس خطر کمتری کرده و با خیالی آسوده مبادرت به سرقت نماید. البته در اینجا نیز وجود و احراز علم و عمد تسهیل‌کننده جرم، شرط است تا قابلیت مجازات داشته باشد.

۶- صور خاص معاونت در قانون (حدود و قصاص)  
۱- معاونت در شرب خمر که طبق ماده ۱۷۵ ق.م.ا. به ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود.

۲- معاونت در سرقت مستوجب حد، که طبق تبصره ۲ ماده ۲۱ ق.م.ا. به حبس، از ۳ تا ۳ سال محکوم می‌شود.

۳- معاونت در قتل عمد، که مجازات آن حسب ماده ۲۰۷ ق.م.ا. حبس از ۳ تا ۱۵ سال بوده و در صورت نداشتن شاکمی و یا گذشت وی، طبق تبصره ماده ۲۰۸ و ۱۱۲ ق.م.ا. به ۱ تا ۵ سال تقلیل می‌یابد.

۴- معاونت در قطع عضو یا جرح عمدی که طبق تبصره ماده ۲۶۹ ق.م.ا. مرتکب به حبس از ۳ ماه تا ۱ سال و یا طبق تبصره ۲ آن به ۲ ماه تا ۱ سال محکوم می‌شود.

۵- معاونت در سقط جنین، که طبق ماده ۶۲۳ ق.م.ا. به ۱ تا ۶ ماه حبس محکوم می‌شود.

۶- معاونت در فساد و فحشا که حسب ماده ۶۳۹ به ۱ تا ۱۰ سال حبس محکوم می‌شود.

۷- معاونت (تشویق) در معامله اشیای مذکور در ماده ۶۴۰ ق.م.ا. که به حبس، جزای نقدی یا شلاق محکوم می‌شود.

۸- معاونت در راه‌اندازی و اداره قمارخانه و مرکز فساد، که طبق ماده ۷۱۰ ق.م.ا. مجازات مباشر جرم را دارد و مجازات مباشر که در ماده ۷۰۸ ذکر شده حبس یا جزای نقدی از ۳ تا ۱۲ میلیون ریال است.

د) مجازات معاونت در جرم

همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره کردیم مبنای تعیین میزان مجازات معاون، [بر اساس] دو نظریه است یکی استعاره مطلق مجرمیت؛ که بر طبق آن مجازات معاون و مباشر یکسان است زیرا در وقوع جرم دارای وحدت نظر و هدف می‌باشند. نظریه دوم، استعاره نسبی است که مورد پذیرش

## مبنای تعیین میزان

### مجازات معاون،

[بر اساس] دو نظریه

است یکی استعاره مطلق

مجرمیت؛ که بر طبق آن

مجازات معاون و مباشر

یکسان است زیرا در

وقوع جرم دارای وحدت

نظر و هدف می‌باشند.

نظریه دوم، استعاره

نسبی است که مورد

پذیرش قانون‌گذار ما

می‌باشد. بر این اساس

چون سهم و دخالت

معاون در تحقق جرم

کمتر بوده، لذا مجازات

معاون کمتر از مباشر

در نظر گرفته می‌شود.

همانند مباشر جرم در محدوده ماده ۷-۲۱۱ قابل مجازات می‌باشد. در ماده ۷-۲۱۱ مصادیق و تعریف معاونت ذکر شده است. طبق ماده مذکور، معاون در جنحه یا جنایت کسی است که با کمک و مساعدت عمدی خود وقوع جرم را تسهیل کرده باشد. همچنین شخصی که با کمک مالی، وعده، تهدید، دستور و سوء استفاده از قدرت و امکانات، تحریک به ارتکاب یک جرم کرده و یا آموزش‌هایی در جهت ارتکاب جرم ارائه دهد، معاون جرم محسوب می‌شود. که این موارد تقریباً همان مصادیقی است که در قانون ما نیز وجود دارد. در اینجا دستور دادن و امر کردن فرد به ارتکاب جرم نیز از مصادیق معاونت ذکر شده است و ذکر کلمه «عامدا» در این ماده حاکی از این مطلب است که معاون باید قصد مجرمانه و آگاهی از وقوع جرم اصلی داشته باشد و به عبارت دیگر دارای وحدت قصد با مباشر در جهت ارتکاب و وقوع آن جرم باشد. در قانون جزای لبنان مواد ۲۲۱ تا ۲۲۲ به بحث معاونت در جرم پرداخته است. در ماده ۲۱۷ مقرر کرده که هرکس که دیگری را به هر وسیله‌ای به ارتکاب جرم وادار کند یا برای این کار تلاش کند محرض (تحریک کننده) محسوب شده و مسئولیت فرد وادار شده به ارتکاب جرم، از مسئولیت وادار کننده جدا و مستقل می‌باشد. در ماده ۲۱۸، در خصوص مجازات معاون اعلام شده که تحریک کننده به ارتکاب جرم به همان مجازاتی محکوم می‌شود که برای مباشران جرم در قانون معین شده است. خواه آن جرم به طور کامل واقع شده باشد و یا اینکه فقط شروع به اجرای آن شده و کامل نشده باشد. البته اگر اقدامات انجام شده از سوی فرد منجر به حصول نتیجه نشود مجازات فرد تحریک کننده در حدود مذکور در ماده ۲۲۰ تخفیف داده می‌شود. تحریک به ارتکاب [اعمال] خلاف، قابل مجازات نیست و اقدامات تامینی و تربیتی همانگونه که در مورد مباشر جرم اعمال می‌شود، در مورد تحریک کننده و معاون نیز قابل اعمال می‌باشد. بنابراین همانگونه که گفته شد قانون گذار لبنان صرف تحریض و تشویق به ارتکاب جرم را، هر چند که منجر به تحقق جرم اصلی نشود، جرم انگاری نموده است ولی قانون گذار ما، تحریکی را جرم دانسته که موثر بوده و منجر به تحقق و وقوع جرم اصلی شود. (واژه «تحریک» در قانون ما و «تحریض» در قانون لبنان و ماده ۴۰ قانون جزای مصر از قانون جزای فرانسه اقتباس شده است). در واقع تفاوت در این است که ما موثر بودن تحریک و احراز رابطه سببیت را ضروری می‌دانیم ولی در قانون لبنان احراز این موضوع لازم نیست و به صرف وقوع تحریک و تشویق، معاونت در جرم محقق می‌شود خواه جرم اصلی واقع شود یا نشود. در ماده ۲۱۹ قانون جزای لبنان، مصادیق افراد دخیل در یک واقعه مجرمانه ذکر شده است به این صورت که اشخاص ذیل دخیل در جنایت و جنحه (و

مسئول) هستند ۱- هرکس، که فردی را به ارتکاب جرم، ارشاد و راهنمایی کند. هر چند ارشادات او اثر فعلی نداشته باشد یعنی در فعلیت یافتن جرم اصلی موثر نباشد. ۲- هرکس که تصمیم فاعل - مباشر - را با هر وسیله‌ای تشدید کند یعنی مباشر را در تصمیمش بر ارتکاب جرم مصمم تر سازد. ۳- هرکس که به جهت استفاده مادی یا معنوی، مباشر را به صورت تهیه مقدمات و یا تسهیل وقوع جرم، همراهی و مساعدت نماید. ۴- هرکس که قبل از ارتکاب جرم، با فاعل یا یکی از شرکای جرم اتفاق نموده و در مخفی کردن آثار جرم و یا پنهان یا مصرف کردن اشیای حاصل از جرم، یا مخفی کردن شرکای جرم همکاری کند. ۵- هرکس که از عملکرد جنایت کاران علیه امنیت دولت و یا علیه اشخاص، اموال و سلامت عمومی، مطلع باشد و برای آنها مکان، غذا و مخفیگاه فراهم کند. محتوای این ماده حاکی از این است که در قانون لبنان، همکاری فرد، پس از وقوع جرم در جهت مخفی کردن آثار و وسایل ناشی از جرم معاونت در آن جرم محسوب می‌شود. ولی در حقوق ما



باید اعمال ارتكابی، مقدم و یا مقارن با عمل مباشر و مجرم اصلی ارتكاب یابد تا عنوان معاونت بر آن صدق کند والا چنین فردی را نمی‌توان تحت عنوان معاونت [در جرم] تعقیب نمود مگر اینکه عمل ارتكابی به صورت خاص تحت عنوان مجرمانه مستقلاً جرم انگاری شده باشد. قانون گذار لبنان در ماده ۲۲۰، مجازات معاون را با توجه به میزان نقش و دخالت او در وقوع جرم، تعیین و بیان کرده است. به این صورت که اگر همکاری و دخالت معاون به گونه‌ای باشد که اگر باری او نبود، جرم هم محقق نمی‌شد؛ [در این صورت] مجازات او مساوی با فاعل اصلی و مباشر جرم است. در غیر این صورت، مجازات معاون، در صورتی که مجازات مباشران جرم، اعدام باشد، به حبس با اعمال شاقه دائمی و یا موقت از ۱۰ تا ۲۰ سال محکوم می‌شود. و اگر مجازات مباشر حبس ابد باشد، مجازات معاون ۷ تا ۱۵ سال حبس خواهد بود. در سایر موارد مجازات معاون، همان مجازات تعیین شده برای مباشر خواهد بود. البته یک ششم تا یک سوم از مدت آن کاسته می‌شود ولی اقدامات تامینی و احتیاطی در مورد ایشان اجرا می‌شود؛ همانگونه که ممکن است در مورد فاعل جرم نیز اعمال شود. قانون گذار این اختیار را به قاضی صادر کننده حکم داده است که برای معاون، مجازاتی از نوع مجازات مباشر تعیین کند اما میزان آن را از یک سوم تا یک ششم تخفیف دهد. البته غیر از مواردی که مشمول صدر ماده فوق باشد؛ یعنی حبس ابد و اعدام که حداقل و حداکثر آن را خود قانون گذار معین کرده است. در ماده ۲۲۱ قانون جزای لبنان مخفی کردن یا مصرف اشیای متعلق به غیر که از راه جنحه یا جنایت به دست آمده باشد، جرمی مستقل شناخته شده و مرتکب به ۳ ماه تا ۱۰ سال حبس و ۲۰ هزار تا ۴۰ هزار لیره جزای نقدی محکوم می‌شود. اگر اموال از راه جنحه (نه جنایت) بدست آمده باشد، مجازات او از دو سوم این میزان بیشتر نخواهد بود. اگر شخص، جانی را مخفی کند و یا در فراری دادن او مساعدت نماید به حبس از ۳ ماه تا ۲ سال محکوم می‌شود. البته اگر فراری دهندگان از نزدیکان درجه یک فرد باشند از این مجازات معاف می‌باشند. که این‌ها از مصادیق و صور خاص معاونت و به صورت جرم مستقل و با مجازات خاص ذکر شده است. بحث معاونت در جرم همانگونه که ذکر شد، در حقوق کشورهای عربی مانند لبنان تحت عنوان مساهمه یا تحریض، بیان می‌شود. تحریض به معنای وادار کردن دیگری به ارتکاب جرم است. ولی مساعدت و مساهمه به معنای یاری دادن مباشر است با تهیه وسایل و امکانات؛ که محدود به وسایل خاصی نیست (مانند راهنمایی کردن، دادن اسلحه یا پول و...) و مساعدت را بر حسب اینکه مقدم یا مقارن یا بعد از عمل مباشر انجام شده باشد، به مساعدت مسهله، مجوزه و منممه تقسیم

(ماده ۱۳۱) قانون امارات متحده عربی (ماده ۴۴). در کشور مانیز تبصره یک و دو از ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی را می‌توان از مصادیق فاعل معنوی دانست. تبصره ۱- اگر اکراه شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد فقط اکراه‌کننده محکوم به قصاص می‌شود و در تبصره ۲ بیان داشته که اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد قصاص نمی‌شود بلکه عاقله‌اش دیه را می‌پردازد و اکراه‌کننده به حبس ابد محکوم می‌شود. در واقع در اینجا اکراه‌کننده فاعل غیرمباشر؛ یا همان فاعل معنوی می‌باشد هرچند که در عملیات مادی جرم شرکت نداشته است. اما چون جرم با اکراه و یا دستور او بوده است، گویا خودش عنصر مادی را نیز انجام داده است و وقوع نتیجه مجرمانه متناسب به فعل و اراده او می‌شود. تسبیب نیز در حقوق ما یکی از مصادیق فاعل معنوی است. و عرف نیز به جهت اقوی بودن سبب از مباشر، نتیجه مجرمانه را به او نسبت می‌دهد و نقش مباشر یا فاعل مستقیم را نادیده می‌گیرد. به نظر برخی از اسانید (دکتر شاملو) فاعل معنوی کسی است که جرم به حساب او و به نفع او انجام می‌شود و در واقع اوست که خواستار وقوع نتیجه مجرمانه می‌باشد. و از نظر منطقی اوست که رابطه سببیت بین فعل مباشر و نتیجه مجرمانه را برقرار می‌کند (مانند اکراه و امر و مامور). فاعل معنوی در شروع به جرم نیز متصور است. می‌توان ماده ۵۰۴ ق. م. ا. را یکی از مصادیق فاعل معنوی دانست، که طبق این ماده کسی که نیروهای مسلح را به فرار یا نافرمانی تحریک کند به قصد براندازی حکومت، هرچند که اقدامات او موثر واقع نشود به ۶ ماه تا ۳ سال حبس محکوم می‌شود. که می‌بینیم در این ماده هرچند نتیجه خواسته شده واقع نشده، ولی چون فرد، خواستار وقوع آن بوده، قانون‌گذار او را مستوجب مجازات دانسته است. مواد ۵۱۲ و ۶۲۱ از ق. م. ا. (کسی را توسط دیگری بریاید) را نیز می‌توان از مصادیق فاعل معنوی دانست. فرق معاون با فاعل معنوی در این است که معاون نقش تبعی و فرعی دارد ولی فاعل معنوی نقش اولیه و مهم‌تر از مباشر را دارد و رابطه سببیت هم برقرار است. و احراز رابطه سببیت بین نتیجه مجرمانه و فاعل معنوی لازم است همانگونه که احراز انتساب نتیجه در مباشر و فاعل مستقیم نیز لازم است. بنابراین با توجه به اقوی بودن فاعل معنوی باید مجازات مباشر جرم، برای او منظور شود، هرچند که او در عنصر مادی جرم شرکت نداشته است. زیرا او خواهان نتیجه بوده و نتیجه هم به او منتسب می‌باشد البته مرحله اثبات این انتساب مشکل‌تر از زمانی است که نتیجه مستقیماً به مباشر منتسب است. زیرا شخصی که بطور مستقیم در عنصر مادی دخالت دارد انتساب جرم به او راحت‌تر و آشکارتر از زمانی است که فردی در پس پرده خواهان وقوع نتیجه مجرمانه و منتفع اصلی از آن جرم است.

\* دادیار دادسرای امور اقتصادی، دانشجوی دوره دکتری حقوق جزای مدرسه عالی شهید مطهری (ره)

کرده‌اند. ولی در حقوق ایران مساعدت اخیر (همکاری بعد از عمل مباشر) را نمی‌توان از مصادیق معاونت در جرم دانست. زیرا تحقق معاونت زمانی است که اعمال ارتكابی قبل و یا همزمان با جرم اصلی واقع شده باشد زیرا تنها در این صورت است که می‌توان گفت که بین معاون و مباشر جرم وحدت قصد و هدف وجود داشته است. مساعدت به شکل ترک فعل، یکی از مشکلاتی است که در بسیاری از قوانین مسکوت مانده ولی رویه قضایی فرانسه بر لزوم ایجابی بودن آن تاکید دارد اما قانون جزای لیبی در ماده ۵۷، مساعدت به شکل ترک فعل را نیز پذیرفته است. در مورد لزوم استفاده مباشر از وسایلی که معاون در اختیار وی قرار می‌دهد نیز اختلاف وجود دارد. شرط تحقق معاونت، وجود قصد مجرمانه است؛ یعنی علم و اراده و اینکه معاون باید از جرم بودن عمل خود و نتیجه‌ای که به همراه خواهد داشت، آگاه باشد که پیشتر به این مطلب اشاره کردیم.

در خصوص لزوم وجود رابطه سببیت بین عمل معاون و جرم واقع شده نیز پیشتر سخن گفتیم. ولی ذکر این نکته نیز لازم است که در مواردی ممکن است چندین سبب وجود داشته و در تحقق جرم موثر باشد. در اینجا چندین نظریه مطرح است که عبارتند از نظریه تعادل اسباب، نظریه سبب مستقیم، نظریه سبب مناسب و نظریه سبب فعال، که هر کدام از آنها طرفدارانی دارد که پرداختن تفصیلی به این مبحث خارج از حوصله مقاله حاضر است و مجال دیگری می‌طلبید (رجوع شود به باب تسبیب، مواد ۳۴۰ به بعد از قانون. م. ا.). در حقوق آمریکا مباشرت معنوی (solicitation)، معادل معاونت در جرم شناخته شده است و آن، عمل شخصی است که با قصد واراده به دیگری دستور می‌دهد یا از او می‌خواهد که مرتکب جرمی شود و این عمل ممکن است با واسطه نیز صورت گیرد یعنی الف به ب دستور بدهد که به ج دستور ارتکاب جرمی را بدهد. فاعل معنوی یکی از اصطلاحات حقوق کیفری است که حقوق آلمان، آن را در کنار معاون جرم مطرح کرده است و به شخصی گفته می‌شود که شخص غیرمسئولی را وادار به ارتکاب جرم می‌کند به گونه‌ای که مباشر جرم، نقش وسیله را دارد. نظریه فاعل معنوی مورد استقبال قرار نگرفته است. نظریه فاعل معنوی که فاعل غیرمباشر یا فاعل با واسطه (یا فاعل میانجی) نیز نامیده می‌شود، از آنجا ناشی می‌شود که ماهیت مجرمانه معاونت، از ماهیت مجرمانه مباشر گرفته می‌شود. و وقتی که مباشر جرم، یک شخص غیرمسئول باشد، باین اشکال مواجه می‌شود که عمل معاون را نیز نمی‌توان تعقیب کرد. بنابراین باید به دنبال نظریه دیگری بود که همان نظریه فاعل معنوی است.

در قوانین برخی از کشورها فاعل معنوی به رسمیت شناخته شده است. که عبارتند از قانون ایتالیا (ماده ۱۱۱) قانون آلمان (ماده ۲-۲۵) قانون کویت (ماده ۳-۴۷) قانون مغرب

### تحقق معاونت زمانی

است که اعمال ارتكابی قبل و یا همزمان با جرم اصلی واقع شده باشد زیرا تنها در این صورت است که می‌توان گفت که بین معاون و مباشر جرم وحدت قصد و هدف وجود داشته است.